

دکتر رابرت ای. پترسون، روح القدس و اتحاد با مسیح، جلسه ۱۷، اتحاد با مسیح در پولس بودن در پدر و پسر، تصاویر و مضامین

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت پترسون هستم در تدریسش در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح. این جلسه ۱۷ است، اتحاد با مسیح در پولس، بودن در پدر و پسر، مشارکت در روایت عیسی، تصاویر و مضامین، بدن، معبد و ازدواج.

به سخنرانی بعدی ما در مورد اتحاد با مسیح در پولس خوش آمدید.

بیاپید از خدا کمک بخواهیم. پدر گرانقدر، از تو سپاسگزاریم که ما را در مسیح، پیش از اعصار ابدی برگزیدی. ای خداوند عیسی، از تو سپاسگزاریم که در قرن اول به جای ما مردی و رستخیز یافتی.

ای روح خدا، از تو سپاسگزارم که ما را به مسیح پیوند دادی، تا او از آن ما باشد، ما از آن او باشیم، و از تمام مزایای نجات بخش او بهره‌مند شویم. دعا می‌کنیم که از طریق عیسی مسیح، واسطه، به ما بینشی در مورد این مزایا عطا کنی. آمین.

ما در حال مطالعه‌ی پولس و برخی از ایده‌های او از نظر زبان و ادبیاتش هستیم و به کاربرد کمتر شناخته‌شده‌ی «در زبان مسیح» در نامه‌های تسالونیکیان، در پدر و پسر، رسیده‌ایم. در اول تسالونیکیان آمده است: پولس، سیلوانوس و تیموتائوس، به کلیسای تسالونیکیان، به خدای پدر، به خداوند عیسی ۱:۱ مسیح، سلام و رحمت و آرامش بر شما باد. و در دوم تسالونیکیان ۱، دو آیه‌ی اول، به شیوه‌ای بسیار مشابه آمده است: پولس، سیلوانوس و تیموتائوس، به کلیسای تسالونیکیان، به خدای پدر ما، و خداوند عیسی مسیح.

فیض و آرامش از جانب خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح بر شما باد. پولس پس از اینکه سیلوانوس و تیموتائوس، همراهان پولس در برنامه‌ریزی کلیسای تسالونیکی، را به عنوان فرستنده‌های مشترک این نامه معرفی می‌کند، آن کلیسا را به شیوه‌ای منحصر به فرد توصیف می‌کند. تنها در این دو جا در رساله‌هایش، او مؤمنان را به عنوان، نقل قول، در خدای پدر و خداوند عیسی مسیح، نقل قول بسته، توصیف می‌کند، جایی هم با پدر و هم با پسر می‌آید «in» که حرف اضافه.

این پدیده منحصر به فرد، واکنش‌های مختلفی را برانگیخته است. برخی این احتمال را که پولس از اتحاد با پدر و پسر به عنوان غیرپولس می‌نویسد، رد کرده‌اند. با این حال، بهتر است اجازه دهیم خود نامه‌ها مشخص کنند که پولس کیست و چه چیزی پولس نیست.

برای من واضح است که پولس در زبان مسیح از هر دو کلمه پدر و پسر استفاده می‌کند. در آیه اول هر نامه به تسالونیکیان، در واقع دو آیه اول نامه دوم، اف. اف. بروس موافق است که از آنجایی که عبارت «در خداوند عیسی مسیح» در اینجا به معنای اتحاد با مسیح است، پس در خدای پدر نیز باید به همین شکل درک شود. تفسیر بروس در اول و دوم تسالونیکیان.

استدلال بروس، من و دیگران، از جمله جین گرین، گوردون فی و لئون موریس، را در تفسیرهای مربوط به رساله‌های تسالونیکی متقاعد می‌کند. با این وجود، باید منحصر به فرد بودن سخنان آغازین پولس در دو نامه‌اش به تسالونیکیان را تشخیص دهیم. فی، در مورد دوم تسالونیکیان، دقیق است.

پولس در اینجا ویژگی منحصر به فردی را که فقط در جای دیگری در اول تسالونیکیان یافت می‌شود، تکرار کرده است و کلیسا را به عنوان موجودی همزمان در خدای پدر و خداوند عیسی مسیح معرفی می‌کند. آیات اول هر دو نامه تسالونیکیی بر درک ما از اتحاد با مسیح تأثیر می‌گذارد. همانطور که جین گرین نقل قول را توضیح می‌دهد، کلیسای تسالونیکیان هویت منحصر به فرد خود را در اتحاد یا رابطه‌اش با خدای پدر و «خداوند متعال عیسی می‌یابد».

در این آیات، پولس آموزه اتحاد با خدای پدر و مسیح او را تعلیم می‌دهد. پولس با سبک و بیان متمایز، آموزه یوحنا را در دعای عیسی برای مؤمنان در یوحنا ۱۷ همپوشانی می‌دهد.

گزارش یوحنا از سخنان عیسی به پدر که آنها نیز در ما، مؤمنان، باشند، آیه ۲۱، شبیه به خطابه رساله‌ای پولس، کلیسای تسالونیکیان در خدا، پدر ما و خداوند عیسی مسیح است. هر دو دیدگاه والایی از اتحاد مسیحیان با الوهیت دارند که باید ما را هم فروتن و هم شگفت‌زده کند. شگفت‌انگیز است که خدا باید عشق خود را به قوم خود با پیوستن آنها به پدر و پسر ابراز کند.

و به عنوان یک الهی‌دان سیستماتیک، نمی‌توانم از اضافه کردن روح‌القدس خودداری کنم. مشارکت در روایت عیسی یکی دیگر از ویژگی‌های متمایز پولس است. پولس به طور منحصر به فردی در کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که مسیحیان در داستان عیسی مشارکت دارند.

آنها در تمام جنبه‌های روایت او سهیم نیستند. آنها در او تجسم نمی‌یابند، زندگی بی‌گناهی با او ندارند، روح را با او جاری نمی‌کنند، یا با او شفاعت نمی‌کنند. اما در بسیاری از تجربیات رستگاری بخش او سهیم هستند.

به طور خاص، آنها با او می‌میرند، با او دفن می‌شوند، با او برانگیخته می‌شوند، با او عروج می‌کنند، با او در آسمان می‌نشینند، و به طرز شگفت‌آوری، به یک معنا، حتی دوباره با او خواهند آمد. نتیجه‌گیری از مطالعه مشارکت در روایت عیسی در نامه‌های پولس. پولس تعلیم می‌دهد که وقتی مؤمنان به مسیح با ایمان با او متحد می‌شوند، در داستان او مشارکت می‌کنند.

آنها در همه چیز، از مرگ او گرفته تا بازگشت دوباره‌اش و پس از آن، با او متحد هستند. این مضمون حداقل در ۱۲ متن - رومیان ۶: ۱ تا ۱۴ - آمده است.

رومیان ۷:۴ تا ۶. رومیان ۸:۱۵ تا ۱۹. دوم قرن‌تین ۴:۸ تا ۱۴. غلاطیان ۲:۱۷ تا ۲۰.

افسسیان ۲: ۴ تا ۱۰. فیلیپیان ۳: ۸ تا ۱۱. کولسیان ۲: ۱۱ تا ۱۵ و ۲: ۲۰ تا ۲۳. کولسیان ۳: ۱ تا ۴. اول تسالونیکیان ۵: ۹ و ۱۰. و دوم تیموتائوس ۲: ۱۱ تا ۱۳.

در صورتی که کسی بخواهد تکرار کند. رومیان ۱: ۶ تا ۱۴. رومیان ۷:۴ تا ۶. و ۸:۱۵ تا ۱۹. دوم قرن‌تین ۴:۸ تا ۱۴. غلاطیان ۲:۱۷ تا ۲۰. افسسیان ۲:۴ تا ۱۰. فیلیپیان ۳:۸ تا ۱۱. کولسیان، ۲:۱۱ تا ۱۵. ۲:۲۰ تا ۲۳. تا ۴: ۱. اول تسالونیکیان ۵:۹ و ۱۰ و دوم تیموتائوس ۲:۱۱ تا ۱۳ ۳:۱.

مسیحیان در بسیاری از وقایع روایت عیسی، از جمله رنج‌های او، سهیم هستند. رومیان ۸:۱۷. فیلیپیان مرگ او - رومیان ۶:۳ و بسیاری از متون دیگر. رومیان ۳:۶، ۶، ۸ و ۷:۴. و من از ارائه این متون ۳:۱۰. خودداری می‌کنم. تعدادشان خیلی زیاد است.

دفن او. رومیان ۴:۶. کولسیان ۱۲:۲. آنها در زنده شدن با مسیح شریک هستند. افسسیان ۵:۲. کولسیان آنها در زندگی او، که به عنوان حیات جاودانی درک می‌شود، شریک هستند. اول تسالونیکیان ۱۰:۵، ۱۳:۲. دوم تیموتائوس ۱۱:۲. آنها در رستاخیز عیسی شریک هستند. رومیان ۴:۶ و ۸:۵، ۴:۷ و غیره.

آنها در نشستن در آسمان شریک هستند. فقط افسسیان ۶:۲. آنها در پنهان بودن در خدا شریک هستند فقط کولسیان ۳:۳. آنها در بازگشت او شریک هستند. کولسیان ۴:۳. رومیان ۱۹:۸. آنها در جلال او شریک خواهند بود. رومیان ۱۷:۸.

و آنها در سلطنت او شریک خواهند بود. دوم تیموتائوس ۱۲:۲.

شما می‌گویید، یک دقیقه صبر کنید. این وقایع بیشتر از آن چیزی است که شما ذکر کردید. خب، پولس از کلماتی که با هم همپوشانی دارند برای بیان چهار جنبه مختلف از داستان خود استفاده می‌کند. بنابراین، رنج، مرگ و دفن، همگی از مرگ همزمان با مصلوب شدن با مسیح سخن می‌گویند.

زنده شدن، حیات و رستاخیز، از پیوستن به رستاخیز مسیح سخن می‌گویند. نشستن در آسمان و پنهان شدن در خدا، هر دو از نشستن در آسمان با عیسی حکایت دارند. و این سه تصویر، همگی از آمدن دوباره، بازگشت او، جلال او و سلطنت او سخن می‌گویند.

بنابراین پولس تعلیم می‌دهد که مؤمنان در همه چیز، از رنج‌های مسیح گرفته تا ظهور مجدد و سلطنت او سهیم هستند. این به این دلیل است که ما در او سهیم هستیم. با پیوستن معنوی به او، در داستان او سهیم می‌شویم.

داستان او، به نوعی، داستان ما می‌شود. چند نکته را باید در نظر گرفت: ما در تجسم او سهیم نیستیم.

تبدیل شدن پسر خدا به پسر انسان، منحصر به فرد و تکرارناپذیر است. ما نیز در زندگی بی‌گناه او سهیم نیستیم، اگرچه اثرات آن در توجیه به ما نسبت داده می‌شود، دوم قرنتیان ۲۱:۵. ما در ریختن روح القدس توسط او در پنطیکاست سهیم نیستیم. این یک رویداد منحصر به فرد و تکرارناپذیر است که توسط عیسی انجام شده است.

ما همچنین در شفاعت او، هنگامی که برای ما دعا می‌کند و کار تمام‌شده‌اش را در حضور آسمانی پدر تقدیم می‌کند، شریک نیستیم. این وقایع تنها متعلق به اوست و با دیگران تقسیم نمی‌شود. اگر ما در زندگی بی‌گناه او شریک نیستیم، این سوال پیش می‌آید که پس رنج او در نموداری که همین الان با شما در میان گذاشتم و متنی که بر اساس آن است، به چه چیزی اشاره دارد؟ ما با او رنج می‌بریم.

آیا این به رنج مادام‌العمر او اشاره ندارد؟ در عوض، به اتحاد با مسیح در مصلوب شدنش و در نتیجه رنج کشیدن در زندگی مسیحی اشاره دارد. این همان ایده‌ای است که پولس در کولسیان ۱:۲۴، ۲۵ به آن اشاره می‌کند، اگرچه او از زبان اتحاد با مسیح استفاده نمی‌کند. نقل قول: اکنون من در رنج‌هایم به خاطر شما، شادمانم و در جسم خود، کاستی‌های رنج‌های مسیح را به خاطر بدن او، یعنی کلیسای که خادم آن شدم، جبران می‌کنم.

پولس می‌گوید که برای مسیح و با او رنج می‌کشد، اما او البته اذعان دارد و همه جا موعظه می‌کند که رنج‌های مسیح از این نظر منحصر به فرد هستند که رستگاری بخش هستند. رنج‌های پولس و دیگر مؤمنان رستگاری بخش نیستند، اما بخشی جدایی‌ناپذیر از معنای پیوستن به مسیح در مرگ او و بنابراین در زندگی

مسیحی ما هستند. بنابراین، اتحاد ما با مسیح، رویدادهای نجات‌بخش، با رنج‌های روی صلیب آغاز شد و با بازگشت و سلطنت او پایان یافت.

همانطور که قبلاً گفتیم، کولسیان ۳:۴ به اصطلاح، ظهور دوباره را به مؤمنان نسبت می‌دهد. من این را می‌گویم زیرا تنها مسیح نجات‌دهنده است و ما نجات‌یافتگان هستیم. با این وجود، اتحاد ما با او چنان صمیمی، قطعی و دائمی است که این حس وجود دارد که ما باز خواهیم گشت و با او سلطنت خواهیم کرد.

دلیلش این است که هویت و وجود ما در او و اتحاد ما با او گره خورده است. به عبارت دیگر، هویت واقعی ما به عنوان پسران یا دختران او اکنون فقط تا حدی آشکار شده است. با این حال، در آن روز، هنگامی که مسیح بازگردد، به طور کامل آشکار خواهد شد.

یا، به تعبیر پولس، من معتقدم که رنج‌های زمان حاضر با جلالی که قرار است بر ما آشکار شود، قابل مقایسه نیست. زیرا خلقت با اشتیاق فراوان منتظر آشکار شدن پسران خدا است، رومیان ۸، ۱۸ و ۱۹. ما فقط آشکار خواهیم شد، فقط یک وحی خواهیم داشت، کلمه دیگری که به آمدن دوم اشاره دارد و کلمه‌ای است که پولس در واقع در رومیان ۸:۱۸ و ۱۹ به کار می‌برد.

ما تنها زمانی وحی خواهیم داشت که عیسی در بازگشت خود وحی خود را داشته باشد. تصادفی نیست که رومیان ۸:۱۸ به جلالی که باید به ما یا در ما آشکار شود اشاره می‌کند. کولسیان ۳:۴ نیز همین را می‌گوید.

وقتی مسیح، که زندگی شماسست، ظهور کند، شما نیز با او در جلال ظاهر خواهید شد. اتحاد با مسیح در ظهور دوم او از جلال یافتن جدایی‌ناپذیر است. نتیجه‌ی تعلیم پولس مبنی بر اینکه ما در روایت مسیح مشارکت می‌کنیم چیست؟ این تعلیم به طور قدرتمندی بیان می‌کند که اعمال رستگاری بخش مسیح تنها پادزهر زهر گناه است.

در مجموع، نه عمل رستگاری وجود دارد، دو پیش‌شرط اساسی، تجسم مسیح در زندگی بدون گناه، قلب و روح دستاورد رستگاری او، مرگ و رستاخیز او، و پنج نتیجه اساسی صلیب و قبر خالی او، عروج او، جلسه دادن روح، شفاعت و بازگشت. این اساساً طرح کلی کتاب من، رستگاری انجام شده توسط پسر، کار مسیح است. این کتاب به نه عمل رستگاری مسیح و سپس شش تصویر کتاب مقدس می‌پردازد، تصاویر اصلی که آن اعمال را تفسیر می‌کنند مانند رستگاری، آشتی، جایگزینی مجازات، پیروزی و غیره.

ما باید این را درست بفهمیم. محور موفقیت نجات‌بخش او مرگ و رستاخیز اوست. مرگ و رستاخیز عیسی تنها درمان بیماری گناه است.

این در تمام جنبه‌های گناه، با نتایج گذشته، حال و آینده، صادق است. صلیب مسیح و قبر خالی ما را از مجازات گناه در توجیه نجات داد، که زیرمجموعه‌ای از اتحاد با مسیح است. نقل قول، بنابراین اکنون هیچ محکومیتی، متضاد توجیه، برای کسانی که در مسیح عیسی هستند، وجود ندارد، رومیان ۸:۱. محکومیت متضاد توجیه در نظر پولس است.

دومی، اعلام عدالت خدا بر اساس کفار مسیح، بر اساس عدالت مسیح در زندگی و مرگش است. محکومیت اعلام داوری خدا بر اساس افکار، گفتار و کردار گناهکاران است. عادل شمردگی و محکومیت، احکام قاضی در روز واپسین هستند.

اما به موجب الگوی «از قبل هنوز نه»، این احکام بر اساس رابطه فرد با مسیح، از قبل اعلام می‌شوند. البته سخنان رومیان ۸:۱ فقط در مورد کسانی صدق می‌کند که به خشنودی و عدالت مسیح برای جایگاه خود در

نزد خدا اعتماد کرده‌اند، رومیان ۳:۲۵، ۲۶، رومیان ۵:۱۸، ۱۹. بنابراین، از نظر گذشته، مرگ و رستاخیز مسیح مبنایی برای نجات ما از مجازات گناه توسط خدا در عادل شمردگی است. از نظر زمان حال، مرگ و رستاخیز مسیح ما را از قدرت گناه در تقدیس تدریجی نجات می‌دهد، که مانند عادل شمردگی، زیرمجموعه‌ای از اتحاد با مسیح است.

رومیان ۶:۴. ما بدین گونه با تعمید در مرگ با او دفن شدیم، تا همانطور که مسیح به وسیله جلال پدر از مردگان برخاست، ما نیز در تازگی حیات گام برداریم. اگر خدا ما را از طریق مرگ و رستاخیز عیسی از اثرات گذشته گناه نجات داد، این مجازات گناه در توجیه است، و اگر او با غلبه بر قدرت گناه از طریق مرگ و رستاخیز مسیح، در زمان حال نیز به نجات ما ادامه می‌دهد، کفاره و حیات رستاخیز یافته منجی، ما را از حضور گناه در آینده در جلال و تقدیس نهایی نجات خواهد داد، که همانطور که حدس زدید، زیرمجموعه‌های اتحاد با مسیح هستند. از آن زمان، ما به وسیله خون او توجیه شده‌ایم.

رومیان ۵:۹. ما به وسیله او از خشم خدا بسیار بیشتر نجات خواهیم یافت. و سپس به آیه ۱۰ می‌رسیم. زیرا اگر در زمانی که دشمن بودیم، به وسیله مرگ پسرش با خدا آشتی داده شدیم، اکنون به وسیله حیات او چقدر بیشتر از آنچه آشتی کرده‌ایم، نجات خواهیم یافت.

بنابراین، با پیوستن به اعمال رستگاری بخش عیسی، محور آن این است که ما به مرگ و رستاخیز او پیوسته‌ایم و آنها پادزهر خدا برای سم وحشتناک گناه در تمام ابعاد آن، گذشته، حال و آینده هستند. مرگ و رستاخیز مسیح پادزهری برای مجازات گذشته گناه، برای سلطه یا استبداد فعلی گناه و قدرت آن، برای حضور گناه در آینده است و به ترتیب در توجیه، تقدیس تدریجی و سپس جلال نهایی و تقدیس نهایی، این کار مسیح است که می‌میرد و دوباره زنده می‌شود که حکم، قدرت و حضور گناه را لغو می‌کند. و همانطور که گفتم، وقتی به هر یک از آنها پرداختیم، مهم است که از این واقعیت غافل نشویم که توجیه، تقدیس تدریجی و جلال، همگی زیرمجموعه‌های اتحاد با مسیح هستند.

وقتی می‌گوییم مرگ و رستاخیز مسیح تنها پاسخ به گناه است، منظورمان در اتحاد با پسرش است. اتحاد با مسیح روش دیگری برای بیان کاربرد نجات است، که همان نجات است، که همان مرگ و رستاخیز مسیح است، و موارد دیگر - اتحاد با مسیح، در ادامه در پولس، تصاویر و مضامین.

این موارد شامل بدن مسیح، معبد، ازدواج، لباس نو، و سپس نه یک تصویر، بلکه یک مضمون، که تا نهایت کمال پر شده است، می‌شود. منظور کتاب مقدس از اینکه می‌گوید ایمانداران تا نهایت کمال خدا پر شده‌اند چیست؟ مضمون دیگر، ساکن شدن در درون است که بارها در مورد آن صحبت کرده‌ایم، اما می‌خواهیم آن را با هم جمع کنیم - اتحاد با مسیح، در پولس، تصاویر و مضامین.

در اینجا، شش تصویر و مضمون دیگر را بررسی می‌کنیم. کاری که انجام داده‌ایم این است که گزیده‌ای از متون مربوط به اتحاد پولس با مسیح را بررسی کرده‌ایم. سپس، به عقب برگشته‌ایم و در مورد ایده‌های او از نظر زیان و ادبیاتش فکر کرده‌ایم.

اکنون، ما به تصاویر و ایده‌های دیگر او نگاه می‌کنیم که به طور کامل تحت عنوان تصاویر قرار نمی‌گیرند. به طور خاص، بدن مسیح، معبد روح القدس، ازدواج، لباس نو، پر شدن از تمام کمال خدا، و ساکن شدن در بدن مسیح. پولس بارها از این تصویر، یکی از تصاویر مورد علاقه خود از کلیسا، استفاده می‌کند.

رومیان ۱۲:۴ و ۵. اول قرن‌تین ۶:۱۵ و ۱۶. اول قرن‌تین ۱۲:۱۲ تا ۲۷. افسسیان ۴:۴ تا ۶، ۱۱ و ۱۲، ۱۵ و افسسیان ۵:۲۳ و ۲۹ تا ۳۰. کولسیان ۱:۱۸. کولسیان ۱:۲۴. کولسیان ۲:۱۸، ۱۹. و کولسیان ۳:۱۵. در صورتی که کسی بخواهد آنها را یادداشت کند، رومیان ۱۲:۴ و ۵. اول قرن‌تین ۶:۱۵ و ۱۶. ۱۲:۱۲ تا ۲۷.

افسسسیان ۴:۴ تا ۶، ۱۱ تا ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۲۳:۵، ۲۹:۵ تا ۳۰. کولسیان ۱:۱۸، ۲۴:۱، ۱۸:۲، ۱۹، و ۱۵:۳.

تصویر بدن مسیح به طور قدرتمندی اتحاد با مسیح را از بسیاری جهات الهیاتی و عملی بیان می‌کند.

سروری و مسیح‌شناسی. مسیح سر بدن خود، یعنی کلیسا، است. کولسیان ۱:۱۸.

تصویر سر و بدن، ارگانیک است و دلالت بر اتحاد بین مسیح و ما دارد. او سر کلیسا و منبع حیات آن است. در اینجا، کولسیان ۱:۱۸.

، او آغاز است، نخست‌زاده از مردگان. این اشاره‌ای به پیدایش ۱:۱ است و در آیات بلافاصله قبل از آن پولس تعلیم داده بود که مسیح به وسیله او است، به وسیله مسیح همه چیز آفریده شد. و او حتی می‌گوید همه چیز در آسمان و زمین است که دوباره به پیدایش ۱:۱ اشاره می‌کند.

بنابراین، مسیح خالق همه چیز بود، و اکنون او خالق دوباره همه چیز است. و ما نباید این زیان را از دست بدهیم. او آغاز است، نه در ابتدا خدا آفرید، بلکه اکنون مسیح آغاز است.

معنی این است که او آغاز خلقت جدید خداست. او به عنوان قیام کرده، به قوم خود حیات می‌بخشد. و به عنوان رئیس کلیسا، به کلیسا حیات می‌بخشد.

او آغاز است، نخست‌زاده از مردگان. کولسیان ۱:۱۸. عیسی به عنوان کسی که قیام کرده، آغاز خلقت جدید خداست، دهنده حیات جاودان به قوم خود.

آن سر، انتساب سر بودن به مسیح، نه تنها از او به عنوان دهنده حیات به بدنش، بلکه به عنوان اقتدار نیز یاد می‌کند. مسیح، به عنوان سر، اقتدار برتر بر بدنش، قومش و کلیسا است. بنابراین، سر بودن به معنای منبع حیات و شخصیت اقتدار است.

در واقع، او به عنوان پسر خدا - بدن مسیح و اعضای آن - شخصیت مرجع است. مسیح سر کلیسا، بدن اوست.

افسسسیان ۵:۲۳. با کولسیان ۱:۱۸ مقایسه کنید. و شما بدن مسیح و تک تک اعضای آن هستید.

اول قرنیتیان ۱۲:۲۷. مفهوم بدن مسیح، خود بیانگر یکی شدن در اوست. رسول با استفاده از عبارت «یک بدن» در افسسسیان ۴، به روشنی ایده یک کلیسا را بیان می‌کند. این نکته قابل توجه است و شاید ما آن را بدیهی بدانیم.

تصویر بدن مسیح چنان تثبیت شده و چنان رایج شده است که پولس، وقتی وحدت‌های کلیسا را بازگویی می‌کند، می‌تواند به سادگی بگوید، یک بدن و یک روح وجود دارد، همانطور که شما به یک امیدی که متعلق به دعوت شماست فراخوانده شده‌اید، یک پروردگار، یک ایمان، یک غسل تعمید، یک خدا و پدر همه، که فوق همه و در میان همه است. او فهرست خود را با این کلمات آغاز می‌کند: یک بدن وجود دارد. او نمی‌گوید یک بدن مسیح، نمی‌گوید یک بدن مسیح، کلیسا، زیرا نیازی به این کار ندارد.

یعنی، بدن به خودی خود کافی است. این مفهوم، ایده‌ی قوم واحد خدا را منتقل می‌کند که به صورت ارگانیک با مسیح، سرشان، منبع حیاتشان و اقتدارشان مرتبط هستند. یعنی، بدن به معنای کلیسا، به اصطلاح رایج مسیحی تبدیل شده بود.

استعاره ایمانداران به عنوان بدن مسیح چیزی بیش از یک استعاره است. در پس آن یک واقعیت معنوی وجود دارد. ما حقیقتاً و از نظر معنوی به مسیح پیوسته‌ایم.

پولس تعلیم می‌دهد که به موجب اتحاد ما با او، یکی شدن با یک فاحشه، مسیح را در گناه گرفتار می‌کند. این، گناه اعضای او را به فاحشه می‌پیوندد. اول قرن‌تین ۱۵:۶، که در بررسی استعاره ازدواج برای اتحاد با مسیح، بیشتر بررسی خواهیم کرد.

من هنوز در مورد بدن مسیح، سر بودن و مسیح‌شناسی، بدن مسیح و اعضای آن و روح‌القدس فکر می‌کنم. پولس از تصاویر غسل تعمید و نوشیدن مایعی استفاده می‌کند تا نشان دهد که داشتن روح برای اتحاد با مسیح ضروری است. او در اول قرن‌تین ۱۳:۱۲ می‌گوید، مسیح ما را در یک روح، در یک بدن تعمید داد و همه ما از یک روح نوشیده شدیم.

اول قرن‌تین ۱۳:۱۲. جامپا و راسنر با تفسیر دو عبارت در آیه ۱۳ با هم، نقل قول می‌کنند که نوشیدن یا غرق شدن در روح، تجربه روح است که در اینجا و جاهای دیگر به عنوان تعمید توسط یا از روح نیز به آن اشاره شده است، نقل قول نزدیک، تفسیر آنها بر اول قرن‌تین در مجموعه تفسیرهای عهد جدید ستونی. روح القدس پیوند اتحاد زنده با مسیح و از این طریق با سایر مؤمنان است. روح، حلقه اتصال است که مؤمنان را به مسیح و یکدیگر در یک بدن پیوند می‌دهد.

با این حال، تصویر بدن چیزهای بیشتری را در بر می‌گیرد. این تصویر، هم کارکرد جمعی دارد و هم کارکرد عمودی، همانطور که اعضای بدن ما بخشی از بدن انسانی ما هستند، ایمانداران نیز متعلق به مسیح هستند.

این استعاره برای آموزش رابطه‌ی مؤمنان، یعنی اعضا با مسیح، سرشان، ایده‌آل است. این استعاره بر جنبه‌ی جمعی اتحاد تأکید دارد، اما این همیشه مبتنی بر جنبه‌ی عمودی اتحاد با سر، یعنی مسیح، است. جمعی و افقی، همانطور که اعضای بدن ما بخشی از ما هستند، مؤمنان نیز به مسیح و به یکدیگر تعلق دارند.

این ایده همچنین جمعی است، حتی همانطور که یک بدن انسانی، اگرچه اعضای زیادی با وظایف مختلف دارد، اما همچنان یک بدن است. در مورد کلیسا، بدن مسیح، نیز همینطور است. رومیان ۵:۱۲ دقیقاً همین را می‌گوید.

پولس اعضای مختلف بدن مسیح را با عطایای مختلف تشویق می‌کند تا به طور مناسب به خداوند خدمت کنند. رومیان ۶:۱۲ تا ۸. پولس در رومیان ۱۴:۱۲ تا ۲۶ در مورد وابستگی متقابل اعضای مختلف بدن در کلیسا بحث می‌کند. به طور خلاصه، کسانی که خود را پایین‌تر از سایر اعضای بدن می‌دانند، در اشتباه هستند.

هر عضوی از بدن مهم است زیرا مسیح اعضا را درست همانطور که می‌خواست در بدن قرار داده است. علاوه بر این، کسانی که خود را برتر از سایر اعضای بدن می‌دانند نیز در اشتباه هستند زیرا چه متوجه باشند چه نباشند، به سایر اعضای بدن نیاز دارند. رومیان ۲۱:۱۲ تا ۲۶.

بنابراین، سخنی با کسانی که خود را پست‌تر می‌دانند، رومیان ۱۵:۱۲ تا ۲۰. سخنی با کسانی که خود را برتر می‌دانند، رومیان ۲۱:۱۲ تا ۲۶. البته، هدف، ترویج هماهنگی در کلیسا، بدن مسیح، است.

این تصویر، یعنی بدن مسیح، هم جمعی و هم فردی است. اتحاد با مسیح، حلقه‌ی اتصال بین نجات فردی است. من وقتی ایمان می‌آورم، به عیسی می‌پیوندم.

این پیوند بین رستگاری فردی و تعلق به کلیسا است. وقتی به عیسی ایمان می‌آورم، به او و هر عضو دیگر بدن او پیوسته‌ام. این یک کار الهی و انسانی است.

سر و اعضای بدن هر دو با هم کار می‌کنند تا رشد ایجاد کنند. بله، حتی کار ما نیز در کار اوست. ما از طریق قدرت او تلاش می‌کنیم و با قدرت او مبارزه می‌کنیم.

کولسیان ۱، آیه آخر، و مطمئناً او جلال را به دست می‌آورد. اما ما درگیر هستیم. افسسیان ۴:۱۲، ۴:۱۶، کولسیان ۲:۱۹. نتیجه‌گیری

اگر بخواهم اساسی‌ترین پیام تصویر کلیسا به عنوان بدن مسیح را خلاصه کنم، این دو نکته خواهد بود. نکته اول، برتری مسیح است. او سر بدن، سر بدن کلیسا است و خود او منجی آن است.

افسسیان ۵:۲۳. مسیح، که در خلقت و رستگاری سرآمد است، به عنوان کسی که قیام کرده، منبع حیات ابدی برای کلیسای خود است. کولسیان ۱:۱۸. دوم، هرمان ریترباو به خوبی می‌گوید، نقل قول می‌کند معمول‌ترین توصیف کلیسا در پولس، توصیف بدن مسیح است. این توصیف، شیوه وجودی مسیح‌شناختی کلیسا را به عنوان قوم خدا توصیف می‌کند. این توصیف از پیوند ویژه کلیسا با مسیح به عنوان قوم خدا سخن می‌گوید.

تصویر دوم، معبد است. کلیسا معبد خدا، معبد روح القدس است. این تصویر در این مکان‌ها یافت می‌شود: اول قرن‌تین ۱۶:۳-۱۷، ۱۹:۶-۲۰، دوم قرن‌تین ۱۶:۶، افسسیان ۲:۱۹-۲۲. نکته اول، و اعتراف می‌کنم که این نکته به من آموخته شد، من متوجه این موضوع نشدم، من آنقدر با این تصویر معبد آشنا بودم و آنقدر آن را بدیهی می‌دانستم که بدن مؤمنان معابد روح القدس است که نکته‌ای را که چامپا و راسنر به درستی جسارت می‌نامند، از دست دادم. آنها این مفهوم را در پس زمینه شکوه و عظمت معبد سلیمان برجسته می‌کنند. نقل قول، ما نباید جسارت، اگر نه مضحک بودن آشکار، ادعای پولس مبنی بر اینکه مسیحیان اولیه یک فرقه کوچک یهودی بودند را از دست بدهیم.

از نظر پولس، پایان معبد سلیمان نه بازگشت از تبعید بود و نه ساخت معبد هیرودیس، بلکه وجود یک گروه کوچک و جنجالی در قرن‌تس بود که عمدتاً از غیریهودیان معتقد به مسیح مقتول اسرائیل تشکیل شده بودند. شما خودتان معبد خدا هستید، اول قرن‌تین ۱۶:۳-۱۷. این یک جمله جسورانه است و ما نباید پیشینه عهد عتیق را در برابر شکوه معبد سلیمان از دست بدهیم. این مؤمنان، این مسیحیان آشفته قرن‌تس، که امیدواریم بیشتر آنها مسیحی باشند، معبد خدا هستند و این دقیقاً همان چیزی است که پولس می‌گوید.

و به یاد داشته باشید، آنچه یک معبد را به معبد تبدیل می‌کند، حضور یک خدا، یا در این مورد، خدای زنده، و حقیقی است. روح القدس به مؤمنان در مسیح می‌پیوندد. نقل قول، در او، در مسیح، شما نیز توسط روح به صورت یک مکان مسکونی برای خدا ساخته می‌شوید، افسسیان ۲:۲۲. نقل قول، حضور جهانی تصاویر خدایان در معابد یونانی-رومی، این اصل را برای خوانندگان قرن اول واضح‌تر از خوانندگان آمریکایی قرن بیست و یکم می‌کرد.

همچنان نقل قول می‌شود که تصویر خدا یا الهه، جی‌های کوچک، معمولاً از نظر اندازه یا تعداد بت‌ها یا هر دو، بر معبد تسلط داشتند. پولس اعلام می‌کند که خود شخص روح القدس خدا، از نظر استدلال، در همان رابطه‌ی تأثیر و شکل‌دهی هویت با کلیت زندگی جسمانی و روزمره‌ی مؤمن قرار دارد که تصاویر خدایان در آن معابد بت‌پرست. تونی تیسلتون، اولین رساله به قرن‌تین، تفسیر عهد جدید بین‌المللی یونانی، و همانطور که انتظار می‌رود، این متن عالمانه است.

من آن را برای مبتدیان توصیه نمی‌کنم، اما برای دانشجویان پیشرفته، تیستلتون بسیار متفکرانه است. مشارکت. در واقع، نقل قول، حضور خدا جایگاه معبد قوم او را تشکیل می‌دهد و بدون آن، آنها معبد نیستند، همانطور که تیستلتون دوباره اعلام می‌کند.

مطمئناً، تصویر معبد، تصویری جمعی است. در واقع، در اول پطرس ۲، پطرس مؤمنان را سنگ زنده می‌نامد، بنابراین حتی این تصویر می‌تواند برای صحبت در مورد فردیت استفاده شود. اما پطرس به سرعت اضافه می‌کند که سنگ‌های زنده در معبدی ساخته شده‌اند که در آن خدا توسط روح در پسرش پرستش می‌شود.

نتیجه‌گیری از تصویرسازی معبد در نوشته‌های پولس برای اتحاد با مسیح. پولس تصویرسازی معبد برش ساختمان را به روش‌های مختلفی به کار می‌گیرد. او یک بار به طور مستقیم، افسسیان ۲: ۱۹ تا ۲۲، و سه بار به طور غیرمستقیم، اول قرن‌تینان ۳: ۱۶، ۱۷، ۱۹: ۶، ۲۰، دوم قرن‌تینان ۶: ۱۶، از آن استفاده می‌کند تا قوم خدا را در حال جایگزینی جسورانه معبد باشکوه و الهی سلیمان پادشاه به تصویر بکشد.

مسیحیان معبد خدا هستند. روح القدس این معبد زنده را می‌سازد و جای خدا را در آن اشغال می‌کند. حضور خدا چیزی است که یک معبد را معبد می‌کند، هرچند او به صورت فردی در قوم خود ساکن است و من قصد ندارم این را کوچک جلوه دهم.

این حقیقتی باشکوه است. تأکید در تصویرسازی معبد بر سکونت جمعی او در آنها به عنوان معبد خدا است. پولس این معبد را متشکل از قوم مقدس خدا، مقدسین او، به تصویر می‌کشد، جایی که تثلیث در حال پرستش است، گویی در حال ساخته شدن در مقابل چشمان ماست.

افسسیان ۲ و آیه ۲۲. ازدواج. پولس در سه قسمت، تصویر مسیح و کلیسای او را به عنوان عروس و داماد ترسیم می‌کند.

اول قرن‌تینان ۶: ۱۵ تا ۲۰. دوم قرن‌تینان ۱: ۱۱ تا ۵. افسسیان ۵: ۲۲ تا ۳۲. بیاید به طور خلاصه به این موارد نگاهی بیندازیم.

اول قرن‌تینان ۶: ۱۵ تا ۲۰. صمیمی‌ترین تصویر پولس از اتحاد با مسیح، یعنی اتحاد زناشویی بین زن و شوهر، در این سه متن آمده است. و این، اول قرن‌تینان ۶: ۱۵ تا ۲۰، صمیمی‌ترین متن از این سه متن است، زیرا به بدن انسان و اتحاد جنسی مربوط می‌شود.

پولس برخی از مردان در کلیسای قرن‌تینان را که از استدلال‌های الهیاتی برای دفاع از استفاده خود، که کلمه صحیح است، از فاحشه‌های معبد استفاده می‌کردند، سرزنش می‌کند. آنها به عنوان افرادی که از روح برخوردارند، ادعا می‌کنند که استفاده از بدنشان نقطه‌ای از آزادی مسیحی است. به دوگانگی اساسی در افکار آنها بین روح القدس و بدن انسان توجه کنید.

خیلی بیشتر یونانی تا مسیحی. کتاب مقدسی. رسول رنجیده، کلمه درست همین است، سه بار به ایده اتحاد متوسل می‌شود.

اول، پولس استدلال می‌کند که از بدو خلقت، خدا مقدر کرد که آن دو، آدم و حوا، یک تن شوند. دوم قرن‌تینان با استناد به پیدایش ۲: ۲۴. جفت اول، الگوی زندگی انسان را تعیین می‌کند، ۶: ۱۶.

اراده خداوند بر این است که مردان و زنان ازدواج کنند و در چارچوب ازدواج، از رابطه جنسی انحصاری لذت ببرند. دوم، برخلاف این انحصار، پولس به اتحاد متفاوتی اشاره می‌کند. نقل قول: آیا نمی‌دانید کسی که با یک فاحشه می‌پیوندد، با او یک بدن می‌شود؟ اول قرن‌تین ۶، ۱۶، برای مردان قرن‌تی که با فاحشه‌ها رابطه جنسی برقرار می‌کنند، وحدت و پایداری را که خداوند برای ازدواج مقرر کرده است، نقض می‌کند.

پولس به کلیسای که به پیام او نیاز دارد، دیدگاه والایی نسبت به بدن و رفتار آن ارائه می‌دهد. کلیسای آمریکایی قرن بیست و یکم و کلیسای جهانی به همین پیام نیاز دارند. بنابراین، رابطه جنسی با فاحشه‌ها، آنطور که برخی از مردان قرن‌تس ادعا می‌کردند، بی‌اهمیت نیست.

وحدت قدرتمند عاطفی، روانی و جسمی رابطه جنسی مختص کسانی است که به یکدیگر عهد وفاداری مادام‌العمر بسته‌اند. سوم، چامپا و روزنر اصرار دارند که روابط جنسی با یک فاحشه نه تنها حکم ازدواج خالق را نقض می‌کند، بلکه ازدواج معنوی یک مؤمن با مسیح را نیز نقض می‌کند. نقل قول: پیدایش ۲:۲۴ توجه را به ازدواج معنوی مؤمن با مسیح جلب می‌کند، اتحادی که پولس آن را مستلزم وفاداری و پاکی می‌داند.

پولس در اول قرن‌تین ۱۶:۶ و ۱۷ بر دو گزینه متضاد تأکید می‌کند: پیوستن به یک فاحشه و پیوستن به خداوند. بنابراین، متن پیدایش نه تنها برای اثبات جدی بودن پیوند جنسی با یک فاحشه، بلکه برای معرفی مفهوم پیوند زناشویی یا ازدواج مؤمن با مسیح نیز به کار می‌رود. استدلال پولس سنگین است زیرا او سه درخواست برای پیوند را در آیات ۱۶ و ۱۷ جمع می‌کند.

اگرچه این متن فاقد کلمه ازدواج، عروس یا داماد است، اما پولس رابطه بین مسیح و خودش را به عنوان یک ازدواج معنوی توصیف می‌کند. این موضوع زمانی کاملاً واضح است که پولس می‌گوید: «کسی که به خداوند می‌پیوندد با او یک روح می‌شود»، که مشابه این است: «کسی که به فاحشه می‌پیوندد با او یک بدن می‌شود». هر دو از افرادی صحبت می‌کنند که به هم می‌پیوندند و با کسی که به او پیوسته‌اند یکی می‌شوند.

در اینجا، شباهت‌ها به پایان می‌رسند. در یک مورد، فرد به یک فاحشه می‌پیوندد و با او یک بدن می‌شود. در مورد دیگر، فرد به خداوند عیسی می‌پیوندد و با او یک روح می‌شود.

اگر او نتیجه‌گیری کند، پولس به روح‌القدس و اتحاد با مسیح اشاره می‌کند. و این اتحاد مؤمنان با فاحشه‌ها را حتی بدتر می‌کند، زیرا بدن مؤمنان متعلق به عیسی است که آنها را خریده است. دوم قرن‌تین ۱۱: ۱ تا ۵ اجازه دهید این متن را بخوانم.

کاش کمی حماقت مرا تحمل می‌کردی. تحمل کن، زیرا از زمانی که تو را به یک شوهر دادم تا تو را به عنوان یک باکره پاک به مسیح تقدیم کنم، نسبت به تو حسادت الهی دارم. اما می‌ترسم همانطور که مار با حيله‌گری خود حوا را فریب داد، افکار تو از ارادت خالص و خالص به مسیح منحرف شود.

زیرا اگر کسی بیاید و عیسی دیگری غیر از آن که ما اعلام کردیم، معرفی کند، یا اگر شما روحی متفاوت از روحی که دریافت کرده‌اید، دریافت کنید، یا اگر انجیلی متفاوت از انجیلی که پذیرفته‌اید، بپذیرید، به راحتی آن را تحمل می‌کنید. در واقع، من معتقدم که من از این رسولان بزرگ چیزی کم ندارم. پولس از خدمت رسولی خود در برابر دشمنان دفاع کرد.

چرا او باید این همه وقت صرف این کار کند؟ از قضا، او در آیه ۱ از قرن‌تین می‌خواهد که کمی حماقت او را تحمل کنند. سخنرانی او طعنه‌آمیز است. آنها به راحتی تحمل می‌کنند وقتی این رسولان بزرگ انجیلی متفاوت از انجیل او را موعظه می‌کنند، آیات ۴ و ۵. بله، پولس عصبانی می‌شود زیرا انجیل و رفاه معنوی قرن‌تین در

خطر است. پولس به عنوان کسی که آنها را به یک شوهر، حتی مسیح، نامزد کرده است، پدران صحت می‌کند، آیه ۲. زمینه کتاب مقدس، زمینه فرهنگی و زمینه تاریخی مهم هستند

طبق فرهنگ شرق باستان، وظیفه پدر این است که به دخترش قول ازدواج با یک شوهر بالقوه را بدهد علاوه بر این، پدر، به قول معروف، مسئولیت وفاداری باکره دختر به نامزدش را در دوره بین نامزدی و ازدواج بر عهده می‌گیرد. رساله دوم پل بارنت به قرن‌تین، تفسیر بسیار خوبی در این مورد است

به همین ترتیب، پولس، پدر معنوی آنها، آرزو دارد که قرن‌تین را در روز ظهور دوباره عیسی، در پاکی و خلوص، به او تقدیم کند. پولس با زبانی زیبا، اتحاد با مسیح را به عنوان ازدواج مسیحیان، عروس، با عیسی دامادشان، بیان می‌کند. پولس با قدرت، اتحاد با مسیح را به عنوان ازدواج بین مؤمنان و مسیح به کار می‌برد

رسول می‌ترسد، مبادا، همانطور که مار با حيله‌گری خود حوا را فریب داد، افکار قرن‌تین از ارادت خالص و ناب به مسیح منحرف شود. نقل قول نزدیک، آیه ۳. مسیحیان مدعی باید به عیسی، همسر نامزد خود وفادار باشند. به گفته هریس، نباید با انجیل دروغین لاس زدن زناکارانه صورت گیرد

این یک نقل قول است. ما نیز باید در برابر اغواگری‌های شیادان هوشیار باشیم تا مرتکب زنا معنوی نشویم. در عوض، باید شوهر الهی خود را دوست داشته باشیم و برای او زندگی کنیم تا زمانی که دوباره بیاید و ما را به خانه ببرد

آخرین متن زیر تصویر ازدواج، افسسیان ۵:۲۲ تا ۳۲ است. اگر اول قرن‌تین ۶:۱۶ و ۱۷ صمیمی‌ترین عبارات پولس باشد که اتحاد را به عنوان ازدواج مسیح و مؤمنان به تصویر می‌کشد، و دوم قرن‌تین ۱۱:۱ تا ۳ قوی‌ترین کاربرد را دارد، پس افسسیان ۵:۲۳ تا ۳۲ مستقیم‌ترین آنهاست. پولس پس از استناد به پیدایش می‌نویسد: «این راز یکی شدن دو نفر در ازدواج انسانی عمیق است و من می‌گویم که به مسیح و کلیسا ۲:۲۴ اشاره دارد»

افسسیان ۵:۳۲. نکته قابل توجه این است که در اینجا، پولس تصویر ازدواج بین مسیح و قومش را به عنوان الگویی برای روابط مناسب بین زن و شوهر به کار می‌برد. من نمی‌توانم سه نتیجه‌ای را که کنستانتین کمپبل برای اتحاد با مسیح از این متن می‌گیرد، بهتر کنم

اولاً، ازدواج مسیح و همسرش، تمایزات بین این دو را از بین نمی‌برد. مسیح و عروسش عمیقاً به هم پیوسته‌اند، اما استعاره ازدواج، این دو را با هم اشتباه نمی‌گیرد. ثانیاً، همانطور که یک عروس انسانی در ازدواج از شوهر مهربان خود اطاعت می‌کند، کلیسا نیز از مسیح، سر مهربان خود، اطاعت می‌کند

مسیح سر کلیسا است. کلیسا مطیع مسیح است. «آیات ۲۳ و ۲۴»

این پیوند نه خداوندی مسیح را تضعیف می‌کند و نه به کلیسا مجوز نافرمانی از پروردگارش را می‌دهد. سوم باز هم به نقل از کمپبل، ازدواج توسط مسیح آماده، تحریک و حفظ می‌شود و عروس به عنوان دریافت‌کننده مراقبت او معرفی می‌شود. مسیح نجات‌دهنده بدن است، ۵:۲۳ از افسسیان، او را دوست داشته و خود را برای او فدا کرده است، ۵:۲۵

او را تقدیس می‌کند تا او را بی‌عیب و نقص به خود تقدیم کند، ۲۶ و ۲۷. او از طریق تدارک و مراقبت، از او حمایت می‌کند، آیه ۲۹. علاوه بر این، همه اینها، غنیمت، یعنی توجه به لطف شگفت‌انگیز خدا به عروسش را، برجسته می‌کند

کلیسا مالک عشق مسیح نیست. او کاملاً از پیشرفت‌های خواستگارش در جهت خود بهره‌مند می‌شود. ما سخنرانی بعدی را با خلاصه کردن نکته‌ی اصلی این استعاره از اتحاد با مسیح به عنوان ازدواج آغاز خواهیم کرد.

این دکتر رابرت پترسون در تدریس خود در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه ۱۷، اتحاد با مسیح در پولس، بودن در پدر و پسر، مشارکت در روایت عیسی، تصاویر و مضامین، بدن، معبد و ازدواج است.